

ابوذر آلوش



حديقة التدبير



(جلد اول)

www.ketab.ir



تهران: پاسداران / خیابان شهید گل نیر
خیابان شهید ناطق نوری / پوسه ۱۳
واحد ۱۴ بنیاد قرآن
تلفن: ۵۰-۲۲۸۵۷۷۴۹ فکس: ۲۲۸۵۷۷۵۶

تهران: نشر کاشف / میدان شهدا / خیابان
مجاهدین اسلام / خیابان شهید عظیم زادگان
بن بست اول / طبقه اول / پلاک ۱
تلفن: ۳۳۵-۹۱۰۲

قم: صفاتیه / نبش کوچه ممتاز / ساختمان
بعثت / طبقه سوم
تلفن: ۸۶-۲۷۷۴۵۴۸۵-۲۵

قم: هفتاد و پنج متری عمارت اسر / خیابان
شهید قدوسی / دانشکده اصول الدین
تلفن: ۶-۲۷۷۷۳۵۲۵-۲۵

سرشناسه:

عنوان و نام پدیدآور:

مشخصات نشر:

مشخصات ظاهری:

شابک:

آلوش ابوتر، ۱۳۵۸ -

حدیقه القدير / ابوتر آلوش.

تهران: بنیاد قرآن، ۱۳۹۱.

ج ۱.

۲۵۰۰۰۰ ريال، ۵-۷-۶۶۷۹-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰ ج. ۱. ۵۰۰۰۰۰ ريال

۸-۲-۶۶۷۹-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰ ج. ۲

وضعیت فهرست نویسی: فيها

ادداشت:

ج ۱ (چاپ اول، ۱۳۹۱) (فها).

یادداشت:

کتابخانه

موضوع:

علمی بن این طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ قی - اثبات خلافت

علمی بن این طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ قی - اثبات خلافت - احادیث

موضوع:

اسلمت - دفاعیه ها و ردیه ها

موضوع:

شبهه - دفاعیه ها و ردیه ها

رده بندی کنگره:

۱۳۹۱ ج ۲ / ۵ / ۷۶ / ۲۲۲ BP

رده بندی دیویی:

۵۲

شماره کتابشناسی ملی:

۷۰۱۵۴

نام کتاب:

حدیقه القدير (ج ۱)

مؤلف:

ابوتر آلوش

ناشر:

بنیاد قرآن

نوبت چاپ:

اول، ۱۳۹۲

شمارگان:

۵۰۰ جلد

چاپ و صحافی:

لینوا - رقم ۰۱-۳۷۲۳۲۵

شابک:

۷-۵-۶۶۷۹-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰

قیمت:

۲۵۰۰۰۰ ريال

(حق چاپ این اثر برای مؤلف محفوظ می باشد)

فهرست مطالب

مقدمه مؤلف

فصل اول (آیات قرآن کریم دال بر وجوب ولایت اهل بیت پیامبر ﷺ).....	۱
مقدمه.....	۲
بخش اول آیاتی در اثبات این که خداوند متعال خود خلیفه اش را در روی زمین منصوب می نماید.....	۵
عصمت اهل بیت رسول خدا ﷺ در قرآن و روایات.....	۱۵
بخش دوم آیاتی از تفاسیر اهل سنت برای اثبات حق جانشینی و خلافت بلافصل حضرت علی ؑ و سعادت مندی شیعیان آن حضرت.....	۴۰
آیه اولی الامر.....	۴۰
آیه ولایت.....	۴۳
آیه ابلاغ.....	۴۷
آیه اکمال.....	۴۹
آیه خیر البریه.....	۵۰
آیه مباحله.....	۵۶
آیه انذار.....	۶۶
آیه مع الصادقین.....	۷۰
آیه لکل قوم هاد.....	۷۶
آیات دیگری در اثبات حقانیت تشیع.....	۷۸
فصل دوم (احادیث حضرت محمد ﷺ در مورد جانشینی بلافصل حضرت علی ؑ).....	۱۴۵
مقدمه.....	۱۴۶
بخش اول احادیث مشهور در اثبات حق خلافت بلافصل حضرت علی ؑ از علمای اهل سنت.....	۱۴۷
حدیث غدیر.....	۱۴۷
حدیث منزلت.....	۱۷۳
حدیث ثقلین.....	۲۰۱
حدیث سفینه.....	۲۰۶
حدیث الحق مع علی.....	۲۱۲
حدیث القرآن مع علی.....	۲۲۵
بخش دوم احادیثی درباره امام متقین بودن حضرت علی ؑ.....	۲۲۸
بخش سوم احادیثی درباره وصی پیغمبر ﷺ بودن حضرت علی ؑ.....	۲۳۳

۲۵۰.....	بخش چهارم احادیثی در اثبات حقانیت تشیع اثنا عشری (دوازده امامی).....
۲۶۱.....	احادیثی در مورد دوازدهمین وصی پیغمبر ﷺ.....
۲۷۳.....	فصل سوم (مناقب حضرت علی ﷺ).....
۲۷۴.....	مقدمه.....
۲۷۸.....	احادیثی از رسول خدا ﷺ در منقبت حضرت علی ﷺ.....
۲۹۱.....	سخنان علماء و بزرگان اهل سنت درباره حضرت علی ﷺ.....
۲۹۴.....	وجوب محبت به اهل بیت ﷺ از دیدگاه علمای اهل سنت.....
.....	احادیثی از رسول خدا ﷺ در وجوب محبت حضرت علی ﷺ و اهل بیت ﷺ و نیز در حرمت و مذمت اذیت و آزار
۳۰۰.....	نسبت به آنان.....
.....	روایاتی دیگر از حضرت علی ﷺ، بزرگان صحابه و علمای اهل سنت در باب وجوب محبت به آن حضرت ﷺ و
۳۱۹.....	حرمت بر دشمنی با ایشان ﷺ.....
۳۲۷.....	احادیثی از رسول خدا ﷺ در وجوب حب حضرت فاطمه ﷺ.....
۳۳۶.....	احادیثی از رسول خدا ﷺ در منقبت حضرت فاطمه ﷺ.....
۳۴۰.....	برخی از صفات برجسته حضرت علی ﷺ و برتری آن حضرت ﷺ از دیگر صحابه.....
۳۴۰.....	۱- اسبق بودن حضرت علی ﷺ در پذیرش اسلام.....
۳۵۵.....	۲- افضل بودن حضرت علی ﷺ بر سایر اهل بیت و زهد.....
۳۵۵.....	افضل بودن ایمان حضرت علی ﷺ.....
۳۶۲.....	افضل بودن زهد حضرت علی ﷺ.....
۳۷۱.....	مقایسه حضرت علی ﷺ با سایر پیامبران ﷺ.....
۳۸۳.....	۳- محبوب ترین افراد نزد خدا و رسولش ﷺ.....
۳۹۱.....	۴- عقد اخوت بین رسول خدا ﷺ و حضرت علی ﷺ.....
۳۹۷.....	۵- برتری علمی حضرت علی ﷺ و دروازه علم پیامبر ﷺ بودن ایشان.....
۴۳۳.....	۶- برتر بودن حضرت علی ﷺ از نظر شجاعت.....
۴۴۱.....	۷- جانشینی حضرت علی ﷺ در زمان حیات خود رسول خدا ﷺ.....
۴۴۷.....	۸- عطای خصایص منحصر به فرد از طرف خداوند متعال به حضرت علی ﷺ.....
۴۴۸.....	وجود نام مقدس حضرت علی ﷺ در عرش.....
۴۵۰.....	تولد حضرت علی ﷺ در خانه خدا.....
۴۵۲.....	موحد و خداپرست بودن تمام اجداد حضرت علی ﷺ.....

مقدمه مؤلف:

«وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ
فَبَشِّرْ عِبَادِ * الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ
هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَٰئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ»

«و آنان که از پرستش طاغوت دوری جستند و به درگاه خدا با توبه و انابه بازگشتند آنها را مژده رحمت است. (ای رسول!) بویستم آن بندگان را که چون سخن بشنوند نیکوتر آن را عمل کنند بشارت ده، آنان هستند که خداوند آنها را هدایت کرده و آنان خردمندان عالمند».

حمد و سپاس خداوند متعال را که ما را خلق کرد و برای هدایت ما پیامبران و امامانی قرار داد که بهترین خلق بودند و نعمت‌های بسیاری بطنانمود که به شماره در نمی‌آیند. این کتاب به منظور پاسخ‌گویی به برخی از شبهات که بعضی همچون وهابیت نسبت به مذهب تشیع روا می‌دارند تدوین شده و در صدد رفع اتهامات وارده به مذهب تشیع هستیم چرا که عده‌ای به قصد بدبین کردن مسلمانان نسبت به شیعیان تلاش می‌کنند. در این کتاب سعی شده است تا با مدارک موثق مانند قرآن مجید و منابع مورد قبول اهل سنت مانند کتب و مدارک خود آنها حقانیت مذهب تشیع اثناعشری اثبات شود تا به یاری خداوند متعال برادران و خواهران مسلمان از تمامی فرق اسلامی بتوانند متوجه حقیقت مذهب تشیع شده و دشمنان واقعی اسلام نتوانند آنان را با دروغ و شایعه‌سازی نسبت به این مذهب گمراه نمایند. زیرا قرآن کریم می‌فرماید:



﴿... لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَيَحْيَىٰ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ...﴾^۱

«... هر که هلاک شدنی است بعد از اتمام حجت هلاک شود و هر که لایق حیات ابدی است با

اتمام حجت به حیات ابدی برسد...»

و نیز پیامبر اسلام ﷺ می‌فرمایند قریب به این مضمون که بعد از من اسلام ۷۳ فرقه می‌شود که فقط یکی از آنها اهل نجات می‌باشد.^۲

با عنایت خداوند متعال و لطف اهل بیت (علیهم‌السلام) در روز عید غدیر سال ۱۴۲۳ هـ ق موفق به شروع گردآوری این مجموعه شدم و با وقفه‌هایی نهایتاً در شعبان سال ۱۴۳۳ هـ ق به لطف پروردگار و عنایات اهل بیت (علیهم‌السلام) به پایان رسید.

به ذره گریز لطف بوترا ب کند

به آسمان رود و کار آفتاب کند

در این کتاب مطالب با نظم خاصی آمده تا دسترسی به آنها آسان باشد. در این نوشتار ضمن رعایت اختصار سعی شده کلیات اثبات حقانیت تشیع با نقل‌های مختلف از مصادر اهل سنت حذف نگردد و با رعایت امانت و احترام با بررسی حدود صد منظره تاریخی و کتابهایی که در حقانیت تشیع نوشته شده است به جمع‌آوری و دسته‌بندی مطالب اقدام کردیم. آدرس منابع این کتاب با نرم افزار معجم مکتبه اهل بیت (علیهم‌السلام) هم‌سان سازی شده تا محققین راحت‌تر بتوانند عین مطلب را کاوش نمایند و در مورد سایر کتاب‌ها^۳ سعی شده از معروف‌ترین چاپ‌ها استفاده شود.^۴ به دلیل رفع شبهه و نیز اختصار و راحت بودن استناد تنها

۱. انفال (۸)، ۴۲.

۲. در همین کتاب این حدیث از منابع اهل سنت آورده شده است.

۳. کتبی که در نرم افزار ذکر شده موجود نیستند.

۴. چند تذکر:

۱- در برخی از منابع اهل سنت نام حضرت ولی عصر (علیه‌السلام) را که هم نام رسول خدا ﷺ است آورده‌اند، در

این کتاب آن نام به صورت منقطع یعنی (م ح م د) آورده شده است. لازم به تذکر است که در برخی از

نقل‌ها از کتب آورده شده کلماتی در پراانتز قرار گرفته‌اند که این امر معمولاً یا به علت این است که در کتب مختلف آدرس داده شده در برخی کلمه موردنظر در پراانتز موجود بوده و در منبع دیگر موجود نمی‌باشد و یا این که کلمه داخل پراانتز در یکی و کلمه خارج آن در منبع دیگر موجود می‌باشد و نیز در بعضی از جاها کلمه موردنظر در خود منبع اصلی آن داخل پراانتز بوده که باز هم آن داخل پراانتز آورده شده است.

۲- شماره آیات آورده شده در این کتاب شماره آیات با خط عثمان طه است.

۳- آدرس مطالب از کتابهایی است که به عنوان منابع کتاب با همان چاپ گفته شده معرفی می‌شوند. این مطالب از آن جهت ذکر شد که برخی‌ها که نمی‌توانند جواب قانع‌کننده‌ای به مسائل مطرح شده تشیع بدهند برای فرار از واقعیت مسائل کوچکی همچون جابجایی چند صفحه و یا چند کلمه و حروف را بهانه قرار می‌دهند و می‌گویند که چون مثلاً فلان مطلب گفته شده در این صفحه است ولی در کتاب ما آن مطلب در چند صفحه دیگر وجود داشت و یا به عنوان مثال در فلان کتاب آن مطلب با کلمه (و لقد) آورده شده ولی در کتاب ما در آنجا (فلقد) آورده شده پس نمی‌توان به این مطلب استناد کرد! البته هر انسان عاقلی می‌داند که اینها بهانه‌ای بی‌نیست و اهل حقیقت و آنهایی که به دنبال حقیقت هستند هرگز چنین بهانه جویی‌های بی‌جایی نمی‌کنند. ما به دنبال کشف و اثبات حقیقت هستیم. برای روشن‌تر شدن موضوع به واقع‌ای که گفته می‌شود برای شیخ مائی (از علمای بزرگ شیعه) پیش آمده توجه کنید. گفته شده ماجرا از این قرار بوده که ایشان در یکی از سفرهایش با یکی از علمای دیگر فرق اسلام ملاقاتی داشته و خود را در مقابل او در ظاهر شافعی مذهب معرفی نموده است. آن دانشمند وقتی که فکر کرد شیخ بهائی شیعه نیست و از مرکز تشیع (ایران) آمده به او گفت: آیا شیعه برای اثبات مطلوب و ادعای خود شاهد و دلیل دارد؟ شیخ بهائی فرمود: من گاهی در ایران با آنها روبرو شده‌ام می‌بینم که آنها برای ادعای خود شواهد محکمی دارند. آن دانشمند گفت: اگر ممکن است یکی از آنها را بیان کنید. شیخ بهائی فرمود: مثلاً می‌گویند: در صحیح بخاری آمده که پیامبر ﷺ فرموده است: «فاطمه پاره تن من است کسی که او را خشمگین کند مرا خشمگین کرده است» (مراجعه شود به: ج ۴ ص ۲۱۰ صحیح بخاری که از رسول خدا ﷺ آورده است: «فاطمه بضعة منی فمن أغضبها أغضبني») و در چهار ورق دیگر در همان کتاب است که، «و فاطمه علیها السلام وفات کرد در حالی که نسبت به آن دو (ابوبکر و عمر) خشمگین بود) (شیه چنین جمله‌ای نسبت به ابوبکر در صحیح بخاری آمده است چنان‌چه در ج ۴ ص ۴۲ صحیح بخاری آمده: «ففضبت فاطمة بنت رسول الله صلى الله عليه وسلم فهجرت ابابكر فلم تزل مهاجرة حتى نفيت» و نیز در ج ۵ ص ۸۲ صحیح بخاری آمده: «فوجدت فاطمة علي أبي بكر في ذلك فهجرت فلم



از قرآن مجید و منابع اهل سنت مطالب را آورده ایم.^۱ بنابراین اگر منابع مورد قبول اهل سنت را لحاظ کنیم سه منبع تفاسیر قرآن و روایات از کتب خودشان و نیز مسائلی می‌رسیم که عقل بر آن حکم می‌کند که چه کسی شایسته تر به امر خلافت بوده است.^۲ بنابراین در فصل اول به اثبات حقانیت تشیع و حق خلافت و جانشینی بلافصل پیامبر ﷺ توسط حضرت امیرالمومنین علی ﷺ از آیات قرآن و از تفاسیر اهل سنت پرداخته شده و در فصل دوم از روایات موجود در کتب اهل سنت در اثبات این امر استفاده شده است. فصل سوم مناقب حضرت علی ﷺ و فصل چهارم به اختلافات برخی از بزرگان اهل سنت در کتب خودشان پرداخته شده که این دو فصل اثبات قضاوت عقل را در حق خلافت بلافصل آن حضرت ﷺ می‌نماید. فصول پنج و شش نیز هر یک در جواب به شبهات و رد جعلیات و تهمت‌ها تألیف گردیده‌اند. از طایفه دیگر اگر اختلافات تشیع و تسنن را به مانند درختی تشبیه نماییم، ریشه آن درخت به دو قسمت چگونگی انتخاب خلیفه و نیز آن که چه کسی باید خلیفه باشد تقسیم می‌شود که اعتقاد شیعه انتخاب خلیفه از طرف خداوند است لیکن اهل سنت آن را به اجماع مردم می‌دانند. قسمت دیگر این ریشه آن است که خلیفه

تکلمه حتی توفیت و عاشت بعد النبی صلی الله علیه و سلم سنة ثمان توفیت دفنها زوجها علی لیل و لم یؤذن بها ابابکر».) جمع این دو روایت و پاسخ به این سوال طبق منابع اهل سنت چگونه است؟ دانشمند مغرض در فکر فرو رفت و بعد گفت: گاهی شیعیان دروغ می‌گویند. ممکن است این هم از دروغ‌های آنها باشد، به من مهلت بده امشب به کتاب صحیح بخاری مراجعه کنم و صدق و کذب دو روایت فوق را دریابم و در صورت صدق پاسخی برای سوال فوق پیدا کنم. شیخ بهائی می‌گوید: فردای آن روز آن دانشمند را دیدم و گفتم، مطالعه و بررسی شما به کجا رسید؟ او گفت: همانگونه که گفتم شیعه دروغ می‌گوید زیرا من صحیح بخاری را دیدم هر دو روایت در آن مذکور است ولی بین نقل این دو روایت بیش از پنج ورق فاصله است درحالی که شیعه می‌گوید چهار ورق فاصله می‌باشد؟!!

۱. محدوده بررسی و استفاده شده از کتب اهل سنت برای تألیف این کتاب، بیش از ۳۵۰ عنوان کتاب با محدوده تقریبی بیش از ۱۷۰۰ جلد کتاب از کتب اهل سنت می‌باشد. لازم به ذکر است که فقط در قسمت حضرت ام کلثوم در فصل پنجم در قسمت‌هایی بنا به دلایلی که در همان جا گفته شده به کتب شیعی استناد شده است.

۲. حتی اگر آیه قرآن یا روایتی در این رابطه وجود نداشت.

بلافصل پیامبر ﷺ چه کسی باید باشد؟ شیعه آن را حضرت علی (ع) و اهل سنت ابوبکر می دانند. فصل اول و دوم در اثبات سخن شیعه در همین باب آورده شده است. اما در مورد سخن اهل سنت حتی اگر قول اهل سنت را در بحث اجماع بپذیریم و دلایل شیعه که از کتب اهل سنت در فصل اول و دوم این کتاب آورده شده را نپذیریم باز هم در فصل چهارم مفصلاً توضیح داده شده است که حتی اجماعی نیز در امر خلافت ابوبکر صورت نگرفت.

چند نفر انگشت شمار در سقیفه به خلافت ابوبکر رأی دادند و نظر باقی مسلمین گرفته نشد و حتی به مخالفتها در این رابطه نیز توجهی نشد. اگر بنابر گفته اهل سنت همین مسأله دلیل بر مشروعیت خلافت ابوبکر باشد چه حجتی وجود دارد که تا ابد همگی موظف به گردن نهادن به رأی آن چند نفر باشند. آیا خداوند عقاب خواهد کرد اگر کسی رأی عده ای از اهل سقیفه را نپذیرد؟ چه حجت و دلیلی؟ اما اگر سخن شیعه درست باشد که حق خلافت برای آن کسی است که خداوند معین نموده باشد، حال به زمین گذاشتن چنین حکمی عقاب خواهد داشت یا نه؟ مطابق با چنین سخنی درست باشد که فصل اول به اثبات آن پرداخته، قطعاً توجه نکردن به آن عقاب و عذاب خواهد داشت چرا که سخن و دستور خداوند نافرمانی شده نه رأی چند نفر در سقیفه!

در مورد عمر نیز که فقط با نظر ابوبکر خلیفه شد و همان را رأی چند نفر از شورای شش نفره زمام خلافت را در دست گرفت. لیکن همین اجماع نیز در بحث خلافت حضرت علی (ع) صورت پذیرفت. آنگاه که مردم از سرتاسر بلاد اسلام در مدینه جمع شده بودند تا در برابر عثمان قیام نمایند و او را ساقط کرده و به اجبار حضرت علی (ع) را خلیفه نمودند و این همان جواب نامه^۱ حضرت ﷺ به معاویه است که با استدلال خود معاویه که اجماع را دلیل بر خلافت می دانست، او را محکوم می نماید که چرا خلافتش را نپذیرفته و نکته ظریف آن است که به اجتماع مهاجرین و انصار اشاره می نماید که فقط در مورد خود ایشان صورت پذیرفت. می توان مسائل و فضائل حضرت علی (ع) را در کنار مسائل دیگر خلفاء

۱. نامه شماره ۶ حضرت علی (ع) در نهج البلاغه



قرار داد و بررسی نمود که واقعاً عقل می پذیرد چه کسی باید زمام امور مسلمین را در دست می گرفت و شایسته تر به این کار بود؟ و اگر این اختلافات و مسائل را که فصل سه و چهار به آن پرداخته اند به مانند تنه و شاخه های این درخت فرض کنیم ، در مسائل فقهی و سایر اختلافات و شبهات و تهمتها به برگهای این درخت خواهیم رسید که دو فصل پایانی را شامل می شوند. یعنی از ریشه این درخت شروع و به برگ آن ختم نموده ایم تا حقیقت بر همگان روشن شود .

روش درست مناظره و روشن شدن حق نیز همین است . چه بسا اگر برای جویندگان راه حقیقت اختلاف در ریشه حل شود دیگر نیازی به بررسی مسائل دیگر نخواهد بود هر چند شیعه برای تمامی آن مسائل جوابی محکم از طرق خود اهل سنت دارد که به آنها در همین کتاب پرداخته شده است

لازم به ذکر است که ما حساب برادران و خواهران اهل سنت را از وهابیت جدا می دانیم و از آن جایی که می دیدم چگونه وهابیت الهای پاک ، ساده و بی آلایش آنها را برای بدبین کردن به برادران و خواهرانشان از تشیع به سخره گرفته و با جعل اکاذیب نسبت به تشیع ، دست آویز قرار داده اند این کتاب را تألیف نمودم تا حداقل برادران و خواهرانمان از اهل سنت بدانند شیعه حرف برای گفتن دارد نه آن گونه که دشمنان وحدت شیعه و سنی آنان را عده ای خرافی و مشرک و دور از حقایق اسلام معرفی می نمایند .